

به نقل از : ماهنامه کارگری ، ارگان کارگری چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۱۲ ، دی ماه ۱۳۹۳

## از کارگران چریک فدائی خلق بیاموزیم !

### رفیق حسن نوروزی



وقتی که شلیک سلاح های آمریکائی مزدوران شاه ، قلب سرخ و گرم کارگر انقلابی - رفیق حسن نوروزی را در دی ماه سال ۵۲ از تپیدن بازداشت ، کارگران ایران یکی از پیشروان آگاه و رزمنده خود و چریکهای فدائی یکی از رهبران کبیرشان را از دست دادند. کارگر رنج کار چشیده ای که از ۹ سالگی اجباراً کار کرده بود و در ۱۴ سالگی برای کار به بوشهر و بندرعباس رفته و سپس در ۱۸ سالگی به طور غیر قانونی خودش را به شیخ نشین های خلیج فارس رسانده و در شرایط طاقت فرسای آن جا ، برای تأمین معاش خود و خانواده اش کار کرده و تجربه اندوخته بود. او بعد ها هم در کارخانجات راه آهن در بخش لوله کشی و تأسیسات به عنوان یک کارگر متخصص مشغول کار شد.

رفیق نوروزی در سال ۴۸ با توجه به آگاهی هایش، به گروه کمونیستی ای پیوست که بعدها به نام گروه رفیق احمدزاده شناخته شد. در آن ایام گروه رفیق احمدزاده ضمن انجام کار تئوریک برای شناخت هر چه دقیقتر جامعه ایران انجام فعالیت هائی در جهت رسوخ در توده های کارگری و ایجاد زمینه مناسب برای تشکیل حزب طبقه کارگر را در دستور کار خود قرار داده بود. در جریان همین فعالیت ها بود که گروه ، واقعیات عینی جامعه را بهتر شناخت و به این نتیجه مبارزاتی رسید که برای مقابله با رکود و خمودی که به دنبال شکست مبارزات پیشین و خیانت و سازشکاری های رهبران گذشته بر مبارزات توده ها حاکم شده و برای در هم شکستن بن بست مبارزاتی حاکم بر جنبش در آن سال ها ، تنها راه اعمال قهر انقلابی می باشد. در رسیدن گروه به این دستاورد بزرگ و راهگشائی در جنبش خلق ایران، کارگران عضو گروه و از جمله رفیق نوروزی نقش مهمی داشتند.

رفیق نوروزی از اولین کارگرانی بود که حاصل تجربیات خود در میان کارگران را طی مقاله ای برای دیگر اعضای گروه چنین تشریح نمود: "هر نوع کار تبلیغی سیاسی با توده ها بدون یک اقدام عملی و بدون یک حداقل نیروی متمرکزی که بتواند به دشمن ضرباتی وارد سازد و هیولای دشمن را در ذهن مردم فرو ریزد و ایشان را به آسیب پذیری دشمن و امکان نابودی وی مطمئن سازد، بی ثمر است". بدین ترتیب اولین نطفه های مفهوم نوین مبارزه از طریق رفقای کارگر در سطح گروه طرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

پس از این که گروه با مطالعه جامعه و جمع بندی تجربیات کسب کرده اش تئوری مبارزه مسلحانه را تدوین نمود و به این نتیجه رسید که: "وظیفه هر گروه انقلابی آغاز مبارزه مسلحانه چه در شهر و چه در روستاست" به طور طبیعی شروع به سازماندهی نیروهای خود جهت پیشبرد خط مشی نوین نمود و تیم های چریک شهری شکل گرفت. رفیق حسن که در یکی از اولین واحدهای تشکیل شده در آن زمان جای گرفت که فرماندهی اش با رفیق کبیر مسعود احمدزاده بود. با شروع مبارزه مسلحانه این تیم نقشه حمله به کلانتری قلعهک در تهران و مصادره مسلسل نگهبان این مرکز سرکوب را در مقابل خود گذاشت که در ۱۴ فروردین ماه سال ۵۰ این عملیات را با موفقیت به انجام رسانید.

به دنبال ضربات شدیدی که در تابستان سال ۵۰، از طرف ساواک شاه به سازمان وارد آمد و منجر به دستگیری و شهادت تعداد زیادی از رفقا گردید، امر تجدید سازمان واحد های سازمان در مقابل رفقای باقیمانده قرار گرفت و رفیق حسن نوروزی برای پیشبرد این سیاست در مرکزیتی که در اواخر تابستان شکل گرفت قرار گرفت. از آن زمان تا دی ماه سال ۵۲ که وی طی مأموریتی در الیگودرز لرستان در درگیری با مزدوران شاه به شهادت رسید، رفیق نوروزی از اعضای مرکزیت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بود.

رفیق نوروزی در طول زندگی پر بار مبارزاتی اش در ده ها عملیات شرکت نمود، از جمله در اواخر زمستان ۵۰، برای نشان دادن اهداف ضد امپریالیستی سازمان به همراه رفیق شهید احمد زبیرم به پرتاب نارنجک به سفارت آمریکا در تهران اقدام نمود و این دو رفیق پس از این حمله، سالم به پایگاه خود بازگشتند. اما جدا از این که در کارنامه رفیق نوروزی ده ها عملیات ثبت شده، همزمان وی او را بیشتر در نقش یک سازمانده و یک مربی سیاسی - نظامی می دیدند که در آموزش کادرهای تازه و داوطلبان جدیدی که به جنبش مسلحانه نوین خلق روی آور می شدند، نقش تعیین کننده ای ایفا می کرد. رفقائی که با رفیق نوروزی کار کرده اند هرگز صمیمیت، صداقت، فروتنی و تعهد بی پایان رفیق را فراموش نکرده و این بارزترین خصلت های او همیشه راهنمای عمل شان در مبارزات انقلابی بوده است. رفقائی که با رفیق نوروزی کار کرده بودند بارها می گفتند که وجود او خود نوعی انگیزه برای بهتر کار کردن شان بوده است و این نهایت تأثیری ست که یک انقلابی می تواند به روی رفقای هم رزمش ایجاد نماید. رفیق نوروزی کارگر کمونیستی بود که نیک می دانست که بورژوازی هرگز از استفاده از حاصل استثمار کارگران و از قدرت سیاسی دست نمی کشد و به همین دلیل کاملاً به این امر اعتقاد داشت که امر رهائی کارگران، وابسته به انقلاب قهر آمیز توده ای می باشد تا نه تنها قدرت بورژواهایی که با مکیدن خون کارگران ارتزاق می کنند را در هم شکند بلکه به قول اندیشمندان طبقه کارگر خود کارگران را هم تغییر و آموزش داده و برای ساختن جهانی نوین آماده سازد.